



معرفی نمایشنامه «مولودی»

منظومه نمایشی شاعر بزرگ

مرحوم قاسم هاشمی نژاد صاحب یکی از نثرهای درخشان،استوار و دقیق معاصر فارسی است که خوشبختانه، در مقدمه بعضی کتاب هایش، ازجمله همین کتابی که امروز معرفی می کنیم، و، به شکلی ویژه تر، در مقدمه «کتاب ایوب»- که ترجمه او از یکی از کتاب های عهد عتیق است- درباره شیوه نگارش و قواعد حاکم بر نثر معاصر فارسی مطالبی نوشته است؛ نوشته هایی مختصر و مفید که عملا کلاس « چگونه درست، زیبا و دقیق بنویسیم؟» برگزار می کنند و قاسم هاشمی نژاد را در مقام یک عالم عامل بیش از پیش به ما می شناسانند؛ نویسنده ای که آثار به یادگارمانده از او چندان زیاد نیستند، اما آن قدر چگالی دارند که تا مدت ها

در سپهر ادبیات معاصر فارسی سنگینی خواهند کرد.
رمان پلیسی «فیل در تاریکی» (که یکی از نخستین و بهترین رمان های پلیسی فارسی است و نامش یادآور داستانی از «مثنوی» مولوی)، ترجمه رمان “BigSleep” ریموند چندلر (که اقتباس سینمایی آن را هاروارد هاکس بزرگ ساخته با فیلم نامه ای از ویلیام فاکتر، و بازی همفری بوگارت و لورن باکال) با عنوان به یادماندنی «خواب گران» (که باز هم عبارتی است وام گرفته از مولانا)، کتاب «سببی و دوآینه» (که مجموعه ای است از شرح احوال و افکار عارفانی سترگ چون منصور حلاج و شبلی، با عنوان فرعی «در مقامات و مناقب عارفان فره مند»)، به همراه چند اثر تالیفی و ترجمه ای دیگر، و البته مقالاتی در معرفی و نقد کتاب و آثار ادبی و سینمایی، میراث مکتوب به جامانده از قاسم هاشمی نژاد است.

و اما نمایشنامه «مولودی»، با عنوان اصلی “The Family Reunion” یا «تجدید دیدار خانوادگی»، شرح رخدادهایی است که در شب جشن تولد مادر کهن سال یک خانواده اشرافی انگلیسی در عمارتی روستایی واقع در شمال انگلستان و در سال های دهه ۱۹۳۰ میلادی روی می دهند. این بانوی ثروتمند «ایمی» نام دارد؛ پیوه «لرد مانچنزی» و مادر سه پسر، «هری»، «آرتور»، و «جان» (که کوچک ترین آن هاست)؛ بانویی که زندگی زنashویی موفقی نداشته است و قبل از اینکه - به قول معروف - بچه ها از آب وگل درآیند، از همسرش جدا شده است؛ همسری که در خلال خواندن نمایشنامه متوجه می شویم که قصد انجام کار بسیار ناپسندی را داشته است، یا -دست کم- عیالش، همین سرکار خانم ایمی، گمان می کرده که قصد انجام کار بسیار ناپسندی را دارد؛ درست مثل پسر بزرگ خانواده، هری، که پس از هشت سال دوری از خانواده و آن عمارت روستایی، و پس از پشت سر گذاشتن دوران مربوط به یک ازدواج ناموفق، درست در شب جشن تولد مادرش، به خانه برگشته و، درست مانند پدرش، قصد انجام کار بسیار ناپسندی را داشته، یا -دست کم- خودش گمان می کرده است که قصد انجام کار بسیار ناپسندی را دارد. به رسم همیشگی و برای حفظ جذابیت های داستان، از لودادن گره های داستانی معذوریم!) ضمنا، تایادم نرفته است، عارض شوم که - به احتمال زیاد- هم لرد مانچنزی و هم پسرش، هری، از یک اختلال روان شناختی رنج می برده اند که فیلم سینمایی ایرانی «آدم کش»^[۱] (۱۳۸۸) به خوبی آن را نشان می دهد.

نویسنده «مولودی» یکی از شاعران بزرگ انگلیسی زبان قرن اخیر است که شعر بلندش، “The Waste Land”، یا همان «سرزمین هرز» (یا، با ترجمه بی نظیر مرحوم بیژن الهی در کتاب «زمرد و حمله»، «ارض موات»)، شاید یکی از پنج شعر برتر انگلیسی در استحکام طلی همه ادوار باشد؛ جناب توماس استرنز الیوت که برنده نوبل ادبی در سال ۱۹۴۸ شد (و اجازه دهید عرض کنم که آکادمی نوبل، با اعطای جایزه به او، بر قدر و ارزش جایزه ادبی اش افزود).

این شاعر بزرگ، در نمایشنامه منظوم «مولودی» (که البته قاسم هاشمی نژاد آن را به شکلی غیرمنظوم و با حداکثر تلاش برای انتقال حال و هوای اثر اصلی به خوانندگان فارسی زبان ترجمه کرده است)، ضمن نشان دادن تبحر خود در خلق یک تراژدی، هرازگاهی، از هنر شاعری خویش نیز بهره برده و قطعات ماندگاری خلق کرده است. اجازه دهید این جستار را با نقل بخشی از متن کتاب تمام کنم که -اتفاقا- عجیب یادآور شروع «ارض موات» است، «به باورم که لحظه تولد/ زمان وقوف مرگ ماست/ به باورم که فصل تولد/ فصل قربانی است/ نزد درخت و جانور، و ماهی/ که تن بر آب می کوبد خلاف راه رود./ پس چه گویم از این روح وحشت زده/ ملزم به تولد دوباره/ تا برآید پیشواز خورشید خشن/ بال ها خیس در ابر باران/ پری پوی»^[۲] قراز ماه، (ص ۶۴)

«مولودی، نوشته تی. اس. الیوت. ترجمه قاسم هاشمی نژاد، نشر هرمس، ۱۳۶ صفحه، ۱۸۸ هزار تومان. (این ترجمه را نخستین بار، نشر «مرکز، بیش از دو دهه پیش از این، منتشر کرد).

[۱] «آدم کش» فیلمی است به کارگردانی رضا کریمی، با بازی مهتاب کرامتی و بهرام رادان و حامد بهداد، که فیلم نامه آن را محمدهادی کریمی پزیشک و روان شناس نوشته است.

[۲] «پری پو» صفت ترکیبی است که چون پری راه می پیماید، و اسدی توسی، در «گرسناپب نامه»، آن را به کار برده است، «سیه چشم و گیسوفش و مشک دم/ پری پوی و آهوکت و گورشم».

صاحبخبر

دیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در دیدار بااستادار خراسان رضوی:

مشکلات کتابخانه مرکزی مشهد توجه ویژه می طلبد



دبیرکل نهاد کتابخانه های عمومی کشور، در سفر به خراسان رضوی، همراه با جمعی از مدیران این نهاد، با غلامحسین مظفری، استاندار خراسان رضوی، دیدار و گفت وگو کرد.

در این دیدار، آژاده نظربلند با اشاره به لزوم توسعه خدمات کتابخانه ای برای گروه های مختلف، خواستار تبدیل کتابخانه ها به فضاهای فرهنگی پویا و کارآمد شد.

مدیرکل نهاد کتابخانه ها توزیع نامتعادل خدمات کتابخانه ای و غفلت از پروژه های کوچک تر به دلیل تمرکز بر پروژه های بزرگ مانند کتابخانه مرکزی مشهد را از چالش های اصلی برشمرد.

وی، همچنین، بر لزوم توجه ویژه به مشکلات کتابخانه مرکزی مشهد و تعیین تکلیف فوری کتابخانه «شریعتی» با قدمت ۱۰۰ سال تأکید کرد. نظربلند با اشاره به موفقیت طرح هایی مانند کتابخانه های سیار و پیک کتاب، پیشنهاد داد خراسان رضوی به عنوان پایلوت (استان آزمایشی) اجرای طرح های جدید نهاد کتابخانه ها انتخاب شود.

استاندار خراسان رضوی نیز، در این دیدار، با تأکید بر اهمیت توسعه کتابخانه ها و تکمیل پروژه های نیمه تمام، آمادگی استان را برای همکاری و همراهی در این مسیر اعلام کرد.

وی، همچنین، از تلاش استان برای تأمین سهم خود در احداث کتابخانه مرکزی مشهد و استفاده از ظرفیت خیران برای تکمیل آن خبر داد.

منبع: ایبنا

شهریار



فرهنگ و ادبیات



نگاهی به کتاب «سراینده کاخ نظم بلند» که به تازگی شهرداری مشهد آن را منتشر کرده است

تاریخ مصور آرامگاه فردوسی



سال ۱۳۹۲/عکس:محمد زائرثیا

این بنا بر مزار فردوسی در طول زمان تخریب و بازسازی شد، اما در برهه هایی طولانی، با بی مهری، تا آستانه گم شدن و محو و فراموشی نیز رفت، چنان‌که نیکلای ولادیمیروویچ خانیکف، خاورشناس روس، که تابستان سال ۱۲۳۷ خورشیدی از توس دیدن کرد،

دراین باره نوشته است: «محل دفن فردوسی، جز به اتکای روایات، مشخص نیست، بقعه چنان‌که مشهور است، فردوسی را، به دلیل عناد و تنگ نظری و سنگ اندازی یک واعظ، نه در گورستان عمومی، که در باغ خودش به خاک می سپارند. بر مزار او تا به دوره ما که حدود یک هزاره می شود، گاه بنایی بوده آباد و گاه مخروبه ای که تا مرز فراموشی تمام هم رفته است.

قدیمی ترین مأخذی که در آن از آرامگاه فردوسی یاد شده است، مربوط به اوایل قرن ششم هجری قمری است؛ «چهارمقاله» شیرازی، والی خراسان، طی سال های ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۴ خورشیدی، انجام داد. او، در نامه ای به ناصرالدین شاه، اشاره می کند که آدم فرستاده و جای قبر را معین کرده اند و «پارچه سنگی از قبر باقی است، و خواستار مرمت بنای باقی مانده می شود. آصف الدوله، در انتهای این نامه، برای تحریک امیال میهن دوستانه شاه قاجار آورده است: «این فردوسی همانی است که گفته است: 'عجم زنده کردم بدین پارسی' و خدا می داند راست گفته است. حیف است قبر او در ایران معلوم نباشد!» او بر مزار، سنگی گذاشت و اتاقتی ساخت، اما مدتی بعد از کار برکنار شد و نتوانست کار خود را تمام کند. بدین ترتیب، چند سال بعد، همان بنا هم فروریخت.

در دوره مشروطه که افکار ملی گرایانه رونق گرفت، فردوسی نیز ارج مضاعف یافت. تشکیل «انجمن آثار ملی» نتیجه چنین وضعیتی بود که به ساخت آرامگاه فردوسی انجامید. در سال ۱۳۴۰، محمد علی فروغی، در روزنامه «حبل المتین»، از مردم برای ساخت آرامگاه فردوسی «اعانه» خواست. کار در مجلس و دولت پیش می رفت، محمدعلی فروغی در دولت، و ارباب کیخسرو شاهرخ در مجلس، از تأثیرگذارترین شخصیت های جریان ساخت بنایی باشکوه بر مزار فردوسی بودند. ساخت

جمع آوری و ذخیره سازی کرده است که قرار است به مرور و به شکل کتاب منتشر شوند. پیش بینی می شود ۴۳کتاب از این دست منتشر شود که «سراینده کاخ نظم بلند» نخستین آن هاست.

- تاریخچه مختصر بنای آرامگاه فردوسی

چنان‌که مشهور است، فردوسی را، به دلیل عناد و تنگ نظری و سنگ اندازی یک واعظ، نه در گورستان عمومی، که در باغ خودش به خاک می سپارند. بر مزار او تا به دوره ما که حدود یک هزاره می شود، گاه بنایی بوده آباد و گاه مخروبه ای که تا مرز فراموشی تمام هم رفته است.

قدیمی ترین مأخذی که در آن از آرامگاه فردوسی یاد شده است، مربوط به اوایل قرن ششم هجری قمری است؛ «چهارمقاله» شیرازی، والی خراسان، طی سال های ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۴ خورشیدی، انجام داد. او، در نامه ای به ناصرالدین شاه، اشاره می کند که آدم فرستاده و جای قبر را معین کرده اند و «پارچه سنگی از قبر باقی است، و خواستار مرمت بنای باقی مانده می شود. آصف الدوله، در انتهای این نامه، برای تحریک امیال میهن دوستانه شاه قاجار آورده است: «این فردوسی همانی است که گفته است: 'عجم زنده کردم بدین پارسی' و خدا می داند راست گفته است. حیف است قبر او در ایران معلوم نباشد!» او بر مزار، سنگی گذاشت و اتاقتی ساخت، اما مدتی بعد از کار برکنار شد و نتوانست کار خود را تمام کند. بدین ترتیب، چند سال بعد، همان بنا هم فروریخت.

در دوره مشروطه که افکار ملی گرایانه رونق گرفت، فردوسی نیز ارج مضاعف یافت. تشکیل «انجمن آثار ملی» نتیجه چنین وضعیتی بود که به ساخت آرامگاه فردوسی انجامید. در سال ۱۳۴۰، محمد علی فروغی، در روزنامه «حبل المتین»، از مردم برای ساخت آرامگاه فردوسی «اعانه» خواست. کار در مجلس و دولت پیش می رفت، محمدعلی فروغی در دولت، و ارباب کیخسرو شاهرخ در مجلس، از تأثیرگذارترین شخصیت های جریان ساخت بنایی باشکوه بر مزار فردوسی بودند. ساخت



طرح اولیه کریم طاهرزاده بهزاد برای مقبره فردوسی عکس:نشریه ایران‌شهر/ سال ۱۳۴۰



بنای مقبره آرامگاه فردوسی که آندره گدار طراحی کرده بود/ عکس: ژانریت بایرون/ سال ۱۳۱۲



طرح پیشنهادی ارنست هرتسفلد برای مقبره فردوسی/ سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳



نگاهی به کتاب «سراینده کاخ نظم بلند» که به تازگی شهرداری مشهد آن را منتشر کرده است

تاریخ مصور آرامگاه فردوسی

آرامگاه فردوسی باشکوه ترین بنایی است که در دوره معاصر برای مشاهیر ایران ساخته شده است. بنای آرامگاه هیچ شاعر دیگری به شکوه بنای آرامگاه او نیست. غرض از این عظمت و شکوهٔ در تناسب بودن با جایگاه فردوسی در تاریخ و فرهنگ این سرزمین بوده است. اما آنچه بر مزار فردوسی در حدود هزار سال گذشته است، خود، داستان و ماجرای است مفصل یا جنبه هایی تاریخی، اجتماعی و سیاسی از آنچه در طول این ۱۰سده بر این سرزمین رفته است.

کتاب «سراینده کاخ نظم بلند» تاریخ مصور ۱۰۰سال اخیر این بناست که به همت شهرداری مشهد، با نظارت سیدمحمد مشتاقیان، مدیرکل روابط عمومی و امور بین الملل رسانه این نهاد و زیرنظر محمد زائرثیا، مسئول امور مرکز اسناد، تهیه و منتشر شده است. این کتاب از دو قسمت تشکیل شده است؛ قسمت نخست، که ۲۵صفحه آغازین از این اثر ۱۸۰صفحه ای را دربرمی گیرد، خلاصه ای پژوهشی است از احوال فردوسی و داستان آرامگاه او در گذر تاریخ، که شامل پنج بخش با عناوین «فردوسی و شاهنامه اش»، «آرامگاه فردوسی»، «جشن های هزاره فردوسی»، «بازسازی اجباری در دهه چهل» و «آرامگاه فردوسی در سال های پس از انقلاب اسلامی» می شود. این پژوهش را کارشناسان این مرکز، لیلی رحمانی طوسی و سیده شیرین سیدی فرخ، در مبنای شماری مقاله و کتاب تهیه کرده اند که عناوین آن هادر قسمت منابع آمده است.

قسمت دوم و اصلی این اثر، شامل عکس ها و طرح هایی از آرامگاه فردوسی است که به صورت تصویری، روایتی تاریخی از آن به دست داده است. نخستین عکس مربوط به سال ۱۲۰۳و از باغ محل مزار فردوسی قبل از احداث بناست؛ عکسی که ارنست هرتسفلد آن را ثبت کرده است. آخرین عکس نیز عکسی است از حسین شریعت که سال ۱۲۴۰گرفته شده است.

قسمت تصاویر نیز از سه بخش با عناوین «نگاه اول: بناهای ناتمام»، «نگاه دوم: بنایی که به سرانجام رسید» و «نگاه سوم: سیری در باغ ایرانی حکیم توس» تشکیل شده است. در «نگاه اول، بناهای ناتمام»، شانزده عکس و دو طرح آمده است. عکس های این قسمت، از سال های ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۲و هشتند و مراحل ساخت نخستین بنا بر مزار فردوسی با طرحی از آندره گدار را نشان می دهند.

تصاویر بخش «نگاه دوم: بنایی که به سرانجام رسید»، با طرح کریم طاهرزاده بهزاد آغاز می شود و تا نیمه نخست دهه ۱۵ادامه می یابد. در این بخش، عکس هایی از مراحل ساخت بنای فعلی آرامگاه و مراسم افتتاح آن در سال ۱۳۱۳و نیز عکس هایی از فضای آرامگاه در فصول و سال های مختلف آمده است.

«نگاه سوم: سیری در باغ ایرانی حکیم توس» که مفصل ترین بخش است و تقریباً نیمی از کتاب را دربرمی گیرد، شامل عکس هایی است رنگی از بازه زمانی ۱۳۵۶ تا ۱۴۰۱. بیشتر عکس های این بخش، متعلق به محمد زائرثیاست.

بنا به گفته سید محمد مشتاقیان، مدیرکل روابط عمومی وامور بین الملل رسانه شهرداری مشهد، این اداره، از سال ۱۳۹۵، کار جمع آوری اسناد هویت سازمانی و شهری را پیش گرفته و تاکنون حدود ۵میلیون قفره انواع سند را



سال ۱۳۱۲/۷/۲۰